

فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه ی اصلی وب سایت مجله:
www.jqe.scu.ac.ir
شاپا الکترونیکی: ۴۲۷۱-۲۷۱۷
شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸

اثر مخارج دولت و تعدیل ساختارهای سنی جمعیت بر توسعه مالی در اقتصاد ایران

محمد جعفری*، الهام فتح الهی**

* دانشیار اقتصاد، پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی ،تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
ایمیل: jafari.moh@inio.ac.ir
0000-0002-8550-9927
آدرس پستی: تهران، خیابان فاطمی، خیابان اعتماد زاده،شماره ۳، کد پستی: portal@inio.ac.ir
** دکتری اقتصاد، مدرس گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
ایمیل: elham.fatholahi@yahoo.com

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL	واژگان کلیدی
تاریخ دریافت: ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ تاریخ بازنگری: ۲۲ تیر ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۰ دی ۱۴۰۴	G00,J10	فرار مغزها، نابرابری جنسیتی، کشورهای در حال توسعه، مدل پانل دیتا

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.
تضاد منافع: نویسنده گان مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافعی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسنده‌ها هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ارجاع به مقاله:
جعفری، محمد و فتح الهی،الهام. (۱۴۰۵). اثر مخارج دولت و تعدیل ساختارهای سنی جمعیت بر توسعه مالی در اقتصاد ایران. *فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی های اقتصادی سابق)*، ۲۳(۱)، ۲۲۴-۲۰۱.
10.22055/jqe.2025.46415.2614

© 2026 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

چکیده گسترده

معرفی:

مخارج عمومی ابزار مهمی برای دولت برای کنترل اقتصاد است. اقتصاددانان به‌خوبی از اثرات دوجانبه آن در ارتقای رشد اقتصادی آگاه بوده‌اند. از یک سو، سرمایه‌گذاری عمومی عاملی است که به انباشت سرمایه کمک می‌کند. مخارج عمومی همچنین برای پر کردن حفره‌هایی مانند خدمات عمومی، مراقبت‌های بهداشتی، تامین اجتماعی و غیره که در اقتصاد بازار دست نخورده باقی مانده است، استفاده می‌شود. از آنجایی‌که سرمایه انسانی نقش کلیدی در ارتقای رشد اقتصادی ایفا می‌کند، کاهش در مقدار سود افراد ناشی از پرداخت مالیات بیشتر جهت تامین مخارج عمومی، با کاهش نرخ رشد اقتصادی همراه است. با در نظر گرفتن اقتصاد به‌عنوان یک کل، این سوال که چگونه هزینه‌های عمومی را به‌طور مناسب هزینه کرد، کار دشواری بوده است (*Vu LE & Suruga, 2005*).

سیاست مالی در کشورهای درحال‌توسعه به‌طور قابل‌توجهی چرخه‌ای است و دارای کشش هزینه‌های عمومی نسبت به رشد تولید ناخالص داخلی بالاتر از یک است. برزوفسکی و سیوینسکا-گورزلک (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که سیاست مالی دوره‌ای، پیامد منفی بر رشد اقتصادی دارد. چرخه در هزینه‌های عمومی معمولاً با این واقعیت توجیه می‌شود که در زمان‌های رکود، کشورها به کمک مالی دسترسی نداشتند، بنابراین جریان بدهی در کاهش چرخه‌ای در هزینه‌های عمومی نقش داشته است. چرخه‌گرایی در زمینه تسلط کم بر عمق بازارهای مالی، مطلوب است، زیرا سیاست مالی انبساطی منجر به ازدحام بیش از حد سرمایه‌گذاری‌های خصوصی می‌شود. (*Lledo et al, 2009*). بر اساس شواهد تجربی، به نظر می‌رسد که عملکرد بدهی داخلی و به‌طورکلی سایر بازارهای مالی برای چرخه مشاهده شده مرتبط نیست، زیرا ضرایب عمق در بازارهای مالی و هزینه اعتبار داخلی از نظر اقتصادی نزدیک به صفر هستند و بازارهای مالی داخلی توسعه‌نیافته در آن زمان، تأمین مالی دولت را مستقل از چرخه تجاری، محدود می‌کرد (همان، ۲۰۱۱). به نظر می‌رسد سطح استقراض داخلی دولت برای تأمین مالی هزینه‌های عمومی، بخش خصوصی را از بین می‌برد و رشد بخش مالی تضعیف می‌کند (*Bikefe et al, 2022*). به طور مشابه، ناکر و همکاران (۲۰۱٤)

دریافتند که مخارج دولت، نقدینگی را از بازارهای مالی جذب می‌کند و در نتیجه توانایی واسطه‌گری مالی در بسیج پس‌انداز موردنیاز برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی را کاهش می‌دهد؛ بنابراین، سطوح پایین‌تر توسعه مالی با هزینه‌های بیشتر دولت همراه است و بالعکس.

افزایش جمعیت، میزان شهرنشینی و ناامنی غذایی را افزایش می‌دهد که در ابتدا باعث ایجاد فساد و بدبختی می‌شود. دولت در پاسخ به دنبال ابزارهایی برای برنامه‌ریزی، هماهنگ‌سازی، نظم و سازماندهی شهرنشینی، ایجاد زیرساخت‌های شهری، ارائه خدمات اجتماعی و گسترش جایگزین‌های دفاعی و امنیتی است. چنین اقداماتی همیشه منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود. بنابراین، تأیید تأثیر مثبت رشد یا اندازه جمعیت بر مخارج عمومی، تأیید اولیه نقش فعال دولت در هزینه‌کردن وسایل برای رفع نیازهای جامعه است، در حالی که تأثیر منفی جمعیت بر هزینه‌های عمومی، مستلزم گام‌های فعالی از سوی دولت برای کاهش اندازه و نقش دولت در امور جمعیتی خود است. کشوری که جمعیت ۰ تا ١٤ ساله و یا ٦٥ سال دارد، دولت آن باید بیشتر برای آموزش، سرمایه بهداشتی و پروژه‌هایی برای جذب جمعیت وابسته بیکار هزینه کند. جمعیت جوان (١٤-٠) پتانسیلی برای نیروی کار بزرگ در آینده ایجاد می‌کند که باید در بخش‌های اشتغال جذب شود. این امر ناگزیر دولت را مجبور می‌کند که راه‌های شغلی بیشتری ایجاد کند که تقاضاهای بیشتری برای دستمزد و حقوق، ارائه خدمات اجتماعی سالمندان مانند مراقبت‌های بهداشتی و پرداخت ماهانه یا سه‌ماهه مستمری برای جمعیت ٦٥ ساله ایجاد می‌کند. به این ترتیب، مخارج جاری و سرمایه‌ای به‌طور همزمان با افزایش جمعیت در طول سال‌ها افزایش می‌یابد (*Azolibe et al, 2020*).

متدولوژی:

با توجه به این‌که مخارج عمومی هم تأثیر مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق کانال‌هایی مانند واردات، سرمایه‌گذاری و نیروی‌کار بر توسعه مالی دارد، بسته به اینکه هزینه‌ها از طریق مالیات تأمین می‌شود یا از طریق بدهی، تأثیرات بین اقتصادها متفاوت است. سطوح ترکیبی هر یک از منابع تامین مالی مخارج ممکن است رشد بخش مالی متفاوتی را تحت تاثیر قرار دهد. وانگ (۲۰۰۵) ادعا می‌کند که اگر مخارج دولت با استقراض پشتیبانی شود، احتمالاً نرخ بهره در بازارهای مالی به‌دلیل افزایش رقابت برای وجوه کمیاب بالا می‌رود. در نتیجه، افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری خصوصی را کاهش می‌دهد، زیرا افراد بیشتری وجوه را به‌سمت پس‌انداز در اوراق‌قرضه و بانک‌ها سوق می‌دهند و رشد بخش مالی را تضعیف

دانشگاه شهید چمران اهواز
فصلنامه علمی پژوهش‌های اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)

می‌کند. با توجه به این‌که رابطه بین ساختار جمعیت و توسعه مالی که عمدتاً بر دو جنبه، قیمت دارایی و بازده دارایی تمرکز دارد و تغییرات در ساختار سنی جمعیت یک کشور، تقاضای دارایی آن را تغییر می‌دهد و سپس بر قیمت دارایی‌ها تأثیر می‌گذارد و از آنجایی که پیری جمعیت، عدم قطعیت انباشت سرمایه را در بسیاری از اقتصادهای بزرگ افزایش داده و ممکن است عدم قطعیت در نرخ پس‌انداز داخلی را افزایش دهد و باعث کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری شود که به ناچار ثبات بخش مالی را کاهش می‌دهد، .مدل اقتصاد سنجی عمومی بکار گرفته شده در تحقیق حاضر با توجه به تئوری ارائه شده اثر مخارج دولت بر توسعه مالی از طریق تعدیل ساختار سنی جمعیت که از مدل نظری ارائه شده توسط کاپایا (۲۰۲۳) اقتباس شده، بصورت زیر است:

$$F=f(K, C, Y, M, I, O, G) \quad (۱)$$

همانطور که در شکل کلی زیر نشان داده شده است، جهت سهولت در تفسیر ضرایب، همه متغیرها به حالت لگاریتمی تبدیل می‌شوند.

$$LFDT_t = \alpha_i + \beta_1 LK_t + \beta_2 LC_t + \beta_3 LY_t + \beta_4 LM_t + \beta_6 LI_t + \beta_7 LO_t + \beta_8 LG_t + \varepsilon_t \quad (۲)$$

متغیر اصلی و وابسته تحقیق توسعه مالی (اعتبارات داخلی به بخش خصوصی به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی) (F) است. دو متغیر مستقل مشتق شده از مخارج دولت جهت بیان اثرات مستقیم مخارج دولت بر توسعه مالی در مدل لحاظ شده اند، شامل: مخارج سرمایه‌ای عمومی (تشکیل سرمایه ناخالص دولت به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی) (K) و مخارج مصرفی عمومی (مخارج مصرف نهایی دولت، به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی) (C)، همچنین متغیرهای انتخاب شده برگرفته از اندازه جمعیت جهت بررسی اثر ساختار سنی جمعیت بر توسعه مالی شامل: جمعیت جوان (جمعیت ۱۴-۰ ساله، به‌عنوان درصدی از کل جمعیت) (Y) و جمعیت بالغ (جمعیت ۱۵ تا ٦٤ ساله، به‌عنوان درصدی از کل جمعیت) (M) است. تورم (به‌عنوان درصد سالانه) (I)، باز بودن تجارت (مجموع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی) (O) و تولید ناخالص داخلی سرانه (G) متغیرهای مهم دیگری هستند که در این رابطه اثرگذارند و به نوعی بیان کننده اثرات غیر مستقیم مخارج دولت بر توسعه مالی محسوب می شوند. برای هدف مقیاس‌بندی یکنواخت، متغیرها با استفاده از لگاریتم تبدیل شدند. برای اندازه‌گیری رشد بخش مالی از شاخص های مختلفی

استفاده می‌شود. اقدامات مبتنی بر بانک اعتباری اغلب به‌عنوان شاخصی برای رشد بخش مالی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان به اعتبارات داخلی به بخش خصوصی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی (دریافت عمق مالی)، سپرده پول و دارایی‌های بانک مرکزی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی و بدهی‌های نقدی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی یا شبه پول (M3) اشاره کرد. تأکید می‌شود که بانک‌ها به‌عنوان تجسم اولیه توسعه مالی در کشورهای درحال‌توسعه عمل می‌کنند (Kapaya, 2021). در نتیجه، توسعه بخش بانکی گاهی با توسعه مالی یک ملت برابری می‌یابد. در نتیجه، اعتبارات بانکی به بخش خصوصی همیشه در این زمینه به‌عنوان بهترین شاخص برای توسعه مالی یک کشور ذکر می‌شود و مقادیر بالاتر به‌معنای کارایی و اهمیت موسسات مالی در تخصیص اعتبار به بخش خصوصی را نشان می‌دهد ودر سایر تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته است (Agyapong and Bedjabeng, 2020). لازم به ذکر است که تمامی داده‌های تحقیق براساس معیار در دسترس بودن، از بانک جهانی برای سال‌های ۱۳٦۹ تا ۱٤۰۱ گردآوری و با استفاده از نرم افزار Eviews 10 بکار گرفته شده است.

یافته ها:

یافته‌های تحقیق در جدول شماره۲ نشان داده شده‌است. توسعه مالی به‌طور مثبت با مخارج سرمایه‌ای، مخارج مصرفی، جمعیت جوان و باز بودن تجارت مرتبط است، در حالی که همانطور که انتظار می‌رود توسعه مالی با تورم رابطه منفی دارد که اهمیت کنترل تورم را برای عملکرد بهتر اقتصاد تایید می‌کند. این نتایج با نتایج اویو ادراوگو و همکاران (۲۰۲۰) سازگار است. نتایج نشان می‌دهد که در مجموع تاثیر منفی باز بودن تجارت در مقابل تاثیر مثبت آن بر توسعه مالی ناچیز است لذا ارتقای باز بودن تجارت و بازده اقتصادی فردی به‌خوبی با رشد بخش مالی و سایر متغیرهای اقتصادی مرتبط است. نتایج رگرسیون بر اساس برآوردگرهای هم‌انباشتگی در جدول شماره ۲ ارائه شده است. وجود هم‌انباشتگی بلندمدت بین متغیرها منجر به استفاده از این برآوردگر می‌شود که روابط بلندمدت را در بر می‌گیرد. اهمیت اقتصادی مخارج مصرفی در روش *FMOLS* یک و نیم برابر و در روش *DOLS* که انحراف و تورش تخمین‌های حداقل مربعات معمولی را به‌واسطه‌ی افزایش وقفه‌ها و مقادیر همزمان در رگرسیون ثابت رفع می‌کند و مقدار گذشته و آینده متغیرهای توضیحی تفاضلی را به‌عنوان متغیرهای اضافی در تخمین در نظر می‌گیرد، .چهار و نیم برابر بیشتر از مخارج سرمایه‌ای برای توسعه مالی در ایران است، مقادیر به ترتیب برابر با ۰/٦٤ و ۹/۱۷ است.

توسعه مالی در ایران در بلندمدت به مخارج مصرفی حساس‌تر از مخارج سرمایه‌ای است که با نتیجه مطالعه فوجی و همکاران (۲۰۱۳) همسو است. همچنین این نتیجه با نتیجه کاگوچی (۲۰۱۹)، که معتقد است هزینه‌های ثابت دولت همراه با حکمرانی خوب، توسعه مالی را افزایش می‌دهد، همسو است. تأثیر تورم بر رشد بخش مالی در هر دو روش منفی و به ترتیب برابر با *0/12*-و *0/93*- است که این نتیجه با مطالعه اویو ادراوگو و همکاران (۲۰۲۰) سازگار است.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، افزایش جمعیت بالغ در ایران بر هزینه‌های دولت بسته به اقدامات آن در قبال اعمال مربوط به بخش خصوصی، تأثیر متفاوتی دارد. دولت‌ها برای خرج کردن از عوامل خصوصی وام می‌گیرند یا مالیات می‌گیرند. افزایش جمعیت سبب می‌شود مخارج مصرفی افزایش یابد، وام‌گیری و جمع‌آوری مالیات بیشتری را ایجاد کند، که ممکن است سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، پس‌انداز و تقاضای اعتبار توسط عوامل خصوصی را منصرف کند، به این ترتیب پیامدهای منفی را بر توسعه مالی هدایت می‌کنند. با توجه به رابطه منفی متغیر جمعیت بالغ بر توسعه مالی در ایران می‌توان گفت که افزایش این متغیر پایه مالیاتی و وصول مالیات از بخش خصوصی را افزایش نمی‌دهد و امکان مخارج بیشتر دولت را فراهم نمی‌کند. علاوه بر این افزایش جمعیت بالغ هزینه‌های دولت را برای اشتغال، خدمات بهداشتی، بیمه درمانی، رفاه و امنیت که مخارج مصرفی هستند، به اندازه‌ی کافی افزایش نمی‌دهد، به این ترتیب آن‌ها توزیع مجدد درآمد را ترویج نمی‌کنند که سرمایه‌گذاری خصوصی و پس‌انداز توسط عوامل بخش خصوصی را ارتقا دهد که به نوبه خود باعث ارتقاء تقاضا و عرضه اعتبار توسط عوامل خصوصی نشده و از طریق مخارج مصرفی به توسعه مالی منتفع نمی‌شود. اما در مورد جمعیت جوان این نتیجه عکس و اثری مثبت بر توسعه مالی دارد.

نتیجه:

مخارج عمومی هم تأثیر مستقیم و هم غیرمستقیم بر توسعه مالی دارد. اثرات مستقیم را می‌توان از طریق مدل رشد تصور کرد، در حالی که اثرات غیرمستقیم از طریق کانال‌هایی مانند واردات، سرمایه‌گذاری و نیروی‌کار منتقل می‌شود. بسته به اینکه هزینه‌ها از طریق مالیات تأمین می‌شود یا از طریق بدهی، تأثیرات بین اقتصادها متفاوت است. سطوح ترکیبی هر یک از منابع تامین مالی مخارج ممکن است رشد متفاوتی را تحت تاثیر قرار دهد؛ در این راستا این مطالعه به دنبال بررسی اثر مخارج دولت بر توسعه مالی با توجه و تمرکز بر ساختار سنی جمعیت در ایران طی سال های ۱۳۶۹ تا ۱۴۰۱ با روش هم انباشتگی *FMOLS*

و *DOLS* است. براساس نتایج حاصل شده باید سیاست‌هایی که بر اثرات مستقل جداگانه مخارج سرمایه‌ای و مخارج مصرفی بر توسعه مالی تاکید می‌کنند، مورد توجه قرار گیرند. سیاست‌های کلان اقتصادی مانند تأمین آموزش، بهداشت و کنترل تورم که بر هزینه‌های دولت تأثیر می‌گذارند، باید تأثیراتشان را بر دسترسی بخش خصوصی به اعتبار، توانایی پس‌انداز و نرخ‌های بهره که بر توسعه مالی اثرگذارند، در نظر بگیرند. این امر می‌تواند با کنترل تأثیرات زیانبار و ترویج تأثیرات سودمند احتمالاً از طریق سیاست‌های سازمانی انجام شود. این توصیه‌ها با اودرائوگو و همکاران (۲۰۲۰)سازگار است که مخارج در کشورهای با خطر بالای درگیری و خشونت، کمترین احتمال را دارد که در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی که برای رشد اعتبار خصوصی ضروری هستند، انباشته شوند. بنابراین، دولت باید سیاست‌هایی را ترویج کند که با کاهش خطرات قریب الوقوع، مشارکت عمومی-خصوصی را تضمین کند. سیاست‌هایی که اثرات جداگانه مخارج سرمایه ای و مصرفی را محاسبه می‌کنند، باید در نظر گرفته شوند، زیرا این دو نوع هزینه معمولاً به‌هم مرتبط نیستند. سیاست‌هایی که اثرات متقابل جمعیت در برابر هزینه‌های عمومی را در نظر می‌گیرند، همگرایی بیشتر در توسعه مالی را تسهیل می‌کنند .

یافته‌ها از تأثیرات مثبت هر دو نوع مخارج بر توسعه مالی حمایت می‌کند. اثر مخارج مصرفی بارزتر، حساس‌تر و از نظر اقتصادی بزرگ‌تر از مخارج سرمایه‌ای است. براساس نتایج این مطالعه، دو مکانیسم و پیامدهای سیاست مرتبط توصیه می‌شود که در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی ازدحام می‌کنند. اولاً، هزینه‌های سرمایه‌ای مداوم، درآمدها را کاهش می‌دهد، اما مخارج مصرفی پس‌انداز را افزایش می‌دهد. در پاسخ، مردم برای مقابله با تأثیر بر درآمد خود، نیروی کار را افزایش می‌دهند، بنابراین تداوم این اثرات باعث ازدحام در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و ایجاد تقاضا برای اعتبار خصوصی می‌شود. ثانیاً، هزینه‌های سرمایه و مصرفی مداوم، شوک‌های تقاضا را در بخش خصوصی ایجاد می‌کند، شرکت‌های خصوصی تولیدکننده و متصدی کالاهای عمومی با افزایش سرمایه‌گذاری‌های خصوصی پاسخ می‌دهند. این شوک‌ها تقاضای معینی را برای اعتبارات خصوصی ایجاد می‌کند، بنابراین مخارج سرمایه‌ای و مخارج مصرفی در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی انباشته می‌شود. بنابراین، سیاست‌ها باید ارتباط عمومی و خصوصی را تقویت کنند، متغیرهایی که در این پیوند در هم تنیده شده‌اند، مانند منافع، پس‌انداز، واسطه‌گری مالی و استراتژی‌های ارتقای بخش خصوصی باید با هم و به‌طور جامع مورد بررسی قرار گیرند.

به‌منظور توسعه مالی، سیاست‌هایی که محتاطانه افزایش جمعیت جوان را ترویج می‌کنند، باید هزینه‌های سرمایه‌ای را نیز ارتقا دهند و هزینه‌های مصرفی ضروری را در کوتاه‌مدت ترویج کنند، در حالی‌که سیاست‌های هزینه‌ای که به افزایش جمعیت بالغ پاسخ می‌دهند، مانند سیاست‌های اشتغال، باید مخارج سرمایه‌ای را به تعویق اندازند. در نهایت با توجه به اینکه مخارج عمومی و نوسانات در تامین مالی آن، باعث ایجاد نرخ‌های بهره بالا، عدم قطعیت هزینه و زمان فروش دارایی‌ها و کاهش اعتبارات به نمایندگان خصوصی می‌شود و در نتیجه عمق بازارهای مالی را کاهش می‌دهد، بنابراین براساس نتایج حاصله می‌توان گفت، دولت باید عاقلانه‌تر هزینه کند و رفتار مخارج را کنترل کند، زیرا نمی‌توان بر تأثیرات آن بر اقتصاد و به‌ویژه بخش خصوصی و توسعه مالی بیش از حد تأکید کرد. چون می تواند تأثیرات آن بر تورم و تولید یا درآمد فردی به طور مفید یا شدید بر توسعه مالی نیز تأثیر بگذارد. اگر کارمندان در سنین پایین بازنشسته شوند، فرصت های شغلی بیشتری برای جوانان ایجاد می شود تا بازدهی نیروی کار بهبود یابد و در نهایت توسعه مالی و رشد اقتصادی حاصل شود. پژوهش‌های آتی می‌تواند از شاخص تراکم توزیع موسسات مالی بانکی برای انجام تحلیل‌های تجربی استفاده کند تا رابطه علی بین توزیع موسسات مالی بانکی و وسعت خدمات ساختار سنی را بررسی کند. از سوی دیگر، از منظر تغییر زمان، می‌توان اثرات پویای ساختار سنی و توسعه مالی با زمان را بررسی کرد تا تغییرات رابطه این دو با زمان و مکان را شناسایی کرد تا شناخت رابطه بین جمعیت و امور مالی غنی و توسعه یابد.

Reference

Agyapong, D., & Bedjabeng, K. A. (2020). Financial development and economic growth. *Journal of African Business, 21*(2), 1–18.

Bakshi, G. S., & Chen, Z. (1994). Baby boom, population aging, and capital markets. *Journal of Business, 67*(2), 165–202.

Bai, J., & Ng, S. (2004). A panic attack on unit roots and cointegration. *Econometrica, 72*(4), 1127–1177.

https://doi.org/10.1111/j.1468-0262.2004.00528.x

Bloom, D. E., & Williamson, J. G. (1998). Demographic transitions and economic miracles. *World Bank Economic Review, 12*(3), 419–455.

Borensztein, E., De Gregorio, J., & Lee, J. W. (1998). How does foreign direct investment affect economic growth? *Journal of International Economics*, *45*(1), 115–135.

Brzozowski, M., & Siwińska-Gorzelak, J. (2013). The influence of foreign direct investment on employment. *Journal of International Trade & Economic Development*, *22*(6), 869–891.

Craigwell, R. (2006). *Foreign direct investment and employment in the English- and Dutch-speaking Caribbean*. International Labour Organization.

De Mello, L. R. (1997). Foreign direct investment in developing countries and growth: A selective survey. *Journal of Development Studies*, *34*(1), 1–34.

https://doi.org/10.1080/00220389708422501

Fadaei, M., & Kazemi, S. (2013). Investigating the effects of foreign direct investment growth on the level of employment in Iran. *Economic Growth and Development Researches*, *3*(9), 71–84. https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article_224.html [In Persian]

Fatholahi, E., Alizadeh, M., & Saadatmehr, M. (2022). The effect of financial decentralization on the quality of education in the provinces of Iran: A panel co-integration approach. *Journal of Econometric Modelling*, *7*(1), 39–69. https://doi.org/10.22075/jem.2022.26785.1718 [In Persian]

Fujii, T., Roland-Holst, D., & Saikia, T. (2013). Estimation of economic impacts of demographic change. *Economic Modelling*, *35*, 617–624.

Habib, M. D., & Sarwar, S. (2013). Impact of foreign direct investment on employment level in Pakistan. *Journal of Law, Policy and Globalization*, *10*, 28–42.

Hassanzadeh, A. (2005). The impact of foreign direct investment spillover effect on employment in Iran's manufacturing industries. *Economic Review*, *2*(4), 53–72. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=196063 [In Persian]

Hong, E., Lee, S., & Makino, S. (2019). Outbound foreign direct investment motivation and domestic employment. *Journal of International Management, 25*(2), 100657.

Hymer, S. H. (1976). *The international operations of national firms*. MIT Press.

Jude, C., & Silaghi, M. I. P. (2016). Employment effects of foreign direct investment. *International Economics, 145*, 32–49.

Kaguchi, K. (2019). Demographic dividend and economic growth. *Asian Development Review, 36*(2), 88–112.

Kapaya, S. M. (2023). Government expenditure and financial development. *Economic Modelling, 118*, 106063.

Kao, C., & Chiang, M.-H. (2000). On the estimation and inference of a cointegrated regression in panel data. *Advances in Econometrics, 15*, 179–222.

Law, S. H., Azman-Saini, W. N. W., & Ibrahim, M. H. (2014). Institutional quality thresholds and the finance–growth nexus. *Journal of Banking & Finance, 40*, 282–296.

Malthus, T. R. (1798). *An essay on the principle of population*. J. Johnson.

Moradi, A., & Mostashari, F. (2018). The effects of public and private health expenses on workforce efficiency in Iran (2004–2014). *Journal of Health Administration, 21*(72), 29–41. http://jha.iums.ac.ir/article-1-2339-en.html [in Persian]

Ouedraogo, R., Sawadogo, R., & Sawadogo, S. (2020). Financial development, foreign direct investment and employment. *Economic Modelling, 85*, 366–380.

Ostadi, H., Rafat, B., & Raisi, A. (2013). The role of foreign direct investment in Iran's economic growth. *Economic Development Research, 9*, 147–172. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=229810 [In Persian]

Pesaran, M. H. (2004). *General diagnostic tests for cross section dependence in panels* (Working Paper No. 0435). University of Cambridge.

Phillips, P. C. B., & Hansen, B. E. (1990). Statistical inference in cointegrated systems. *Review of Economic Studies*, *57*(1), 99–125.

Pourmand Bakhshaish, T., Vajdani, M., & Sadeghi Shadani, M. (2020). Spatial study of the effect of exports and foreign direct investment on employment (MENA countries). *Modern Economy and Trade*, *15*(2), 3–27. https://doi.org/10.30465/JNET.2020.6121 [In Persian]

Rong, S., Liu, K., Huang, S., & Zhang, Q. (2020). FDI, labor market flexibility and employment in China. *China Economic Review*, *61*, 101449.

Salvatore, D. (2009). *International trade* (H. Arbab, Trans.). Nei Publication. [In Persian]

Seyed Noorani, M., & Mohammad Pour, H. (2018). The impact of foreign direct investment on employment in OECD member countries and developing countries. *Modern Economy and Trade*, *13*(2), 53–79. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=550365 [In Persian]

Seyed Noorani, M., Tari, F., & Mohammad Pour, H. (2020). The effect of foreign direct investment and good governance on employment in developing countries. *Journal of Economics and Urban Management*, *8*(31), 21–34. https://iueam.ir/article-1-1457-fa.html [In Persian]

Sohaili, K., Fatahi, S., & Mohammadi, S. (2018). Examining the role of private and public investment on employment in Iranian provinces. *Macroeconomics Research Journal*, *12*(24), 121–148. https://doi.org/10.22080/IEJM.2018.1940 [In Persian]

Stock, J. H., & Watson, M. W. (1993). A simple estimator of cointegrating vectors. *Econometrica*, *61*(4), 783–820.

Vu, L. E., & Suruga, T. (2005). Public expenditure and economic growth. *Journal of Economic Studies*, *32*(4), 295–309.

Wang, C., Zhang, X., Ghadimi, P., Liu, Q., Lim, M. K., & Stanley, H. E. (2019). The impact of regional financial development on economic growth. *Physica A: Statistical Mechanics and its Applications*, *521*(3), 635–648.